



### سیمای سوره مرسلات

این سوره پنجاه آیه دارد و در مکه نازل شده است. نام سوره برگرفته از آیه اول است که با «مرسلات» آغاز شده است و مراد از آن، فرشتگانی هستند که از سوی خداوند برای انجام امور مختلف، فرستاده می شوند.

این سوره نظیر سوره‌های انبیاء<sup>(۱)</sup>، قمر<sup>(۲)</sup>، حج<sup>(۳)</sup>، واقعه<sup>(۴)</sup>، حاقه<sup>(۵)</sup>، قیامت<sup>(۶)</sup>، نباء<sup>(۷)</sup>، تکویر<sup>(۸)</sup>، انفطار<sup>(۹)</sup>، انشقاق<sup>(۱۰)</sup>، غاشیه<sup>(۱۱)</sup>، قارعه<sup>(۱۲)</sup> و زلزال<sup>(۱۳)</sup> با آیات مربوط به معاد شروع شده است. چنانکه مانند سوره‌های فاطر، ذاریات و نازعات با سوگند به فرشتگان آغاز شده است.

در این سوره، آیه «ویل یومئذ للمکذبین» ده مرتبه تکرار شده، همان گونه که در سوره الرّحمن آیه «فبائی آلاء ربّکما تکذّبان» و در سوره قمر آیه «فکیف کان عذابی و نذر» تکرار شده است.

- 
- |                          |                               |                                |
|--------------------------|-------------------------------|--------------------------------|
| ۱. «اقترب للناس حسابهم»  | ۲. «اقتربت الساعة»            | ۳. «انّ زلزلة الساعة شیء عظیم» |
| ۴. «اذا وقعت الواقعة»    | ۵. «الحاقة ما الحاقة»         | ۶. «لا اقسم بیوم القيامة»      |
| ۷. «عمّ یتساءلون»        | ۸. «اذا الشمس کورت»           | ۹. «اذا السماء انفطرت»         |
| ۱۰. «اذا السماء انشقت»   | ۱۱. «هل اتاک حدیث الغاشیه»    |                                |
| ۱۲. «القارعة ما القارعة» | ۱۳. «اذا زلزلت الارض زلزالها» |                                |

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ وَ الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ﴿ ۲ ﴾ فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا ﴿ ۳ ﴾ وَ  
النَّاشِرَاتِ نَشْرًا ﴿ ۴ ﴾ فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا ﴿ ۵ ﴾ فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ﴿ ۶ ﴾  
عُدْرًا أَوْ نُذْرًا ﴿ ۷ ﴾ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ

به فرستاده‌های پی در پی سوگند. پس به طوفان‌های سهمگین (سوگند).  
به نشردهندگان (که حق را به نیکویی) نشر می‌دهند سوگند. پس آنان که  
به طور کامل (بین حق و باطل) فرق می‌گذارند. پس به القاکنندگان ذکر (و  
وحی به پیامبران). برای (رفع) عذر یا هشدار و انذار. همانا آنچه وعده داده  
می‌شوید، واقع شدنی است.

## نکته‌ها:

- کلمه «عُرف» به معنای پی در پی است و به یال اسب که موهای ردیف دارد، عُرف گویند.  
این واژه به معنای نیک و پسندیده نیز آمده و کلمه‌ی «معروف» از آن است.
- برای اموری که در پنج آیه اول این سوره به آنها سوگند یاد شده، یعنی «المرسلات،  
العاصفات، الناشرات، الفارقات و الملقیات» سه تفسیر بیان شده است:  
الف: برخی از مفسران عقیده دارند مراد از آنها انواع باده‌ها و طوفان‌ها است؛<sup>(۱)</sup>  
ب: برخی عقیده دارند که مراد از آنها انواع فرشتگان است؛<sup>(۲)</sup>

۱. تفسیر کبیر فخررازی. ۲. تفسیر المیزان.

ج: برخی عقیده دارند که آیات اول و دوم مربوط به باد و طوفان و آیات سوم تا پنجم مربوط به فرشتگان است و این تفکیک به خاطر نوع حرف عطف است، زیرا حرف «واو» در اول آیه نشانه جدایی و حرف «فاء» در اول آیه نشانه اتصال است.

□ «العاصفات» جمع «عاصف» به معنای باد شکننده و سخت است، چنانکه در آیه ۱۲ سوره یونس می‌خوانیم: ﴿رِیحٌ عَاصِفٌ﴾ و کلمه «عصف» به معنای تندباد است، مانند: ﴿كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ﴾<sup>(۱)</sup>، ﴿وَالْحَبِّ ذُو الْعَصْفِ﴾<sup>(۲)</sup>.

□ اگر مراد از «عاصفات» را فرشتگان بدانیم، معنای آیه چنین است که فرشتگان، فرمان الهی را با شدت و سرعت انجام می‌دهند. نظیر آیاتی که می‌فرماید: ﴿يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾<sup>(۳)</sup> و یا ﴿هُمْ بَاْمَرِهِ يَعْمَلُونَ﴾<sup>(۴)</sup>.

□ در کنار هم آمدن سوگند به بادها و فرشتگان، شاید به خاطر شباهت میان باد و فرشته باشد، از این نظر که هر دو لطیف و سریع‌اند و در آفرینش و تدبیر امور نقش دارند.

□ کلمه «ملقیات» به صورت جمع آمده است، شاید به خاطر آن که گاهی فرشتگان دیگری همراه فرشته وحی یعنی جبرئیل نازل می‌شوند و شاید به خاطر آن باشد که گاهی فرشته و گاهی افراد و امور دیگر وسیله تذکر انسان شده و مسایلی را به انسان القا می‌کنند.

□ خداوند متعال باید حجت را بر مردم تمام کند و جلوی بهانه‌ها و عذرتراشی‌ها را بگیرد. ﴿عذراً﴾ در آیه ۱۳۴ سوره طه نیز می‌خوانیم: اگر قبل از آمدن انبیا مردم را هلاک کنیم، عذر خواهند آورد و می‌گویند: چراپیش از این پیامبری نفرستاد تا ما از او پیروی کنیم و گرفتار نشویم.

□ در صفات سه گانه ناشرات، فارقات و ملقیات یک سیر طبیعی وجود دارد. یعنی ابتدا باید فرشتگانی معارف را گسترش دهند: «الناشرات»، سپس در سایه آن، حق و باطل و حلال و حرام از هم جدا شوند: «الفارقات» و به دنبال آن، ذکر القا شود. ﴿فَالْمَلَقِيَّاتُ ذِكْرًا﴾<sup>(۵)</sup>

۳. نحل، ۵۰.

۲. الرَّحْمَن، ۱۲.

۱. فیل، ۵.

۵. تفسیر المیزان.

۴. انبیاء، ۲۷.

## پیام‌ها:

- ۱- آنچه از جانب خداوند فرستاده می‌شود، مقدّس و قابل سوگند خوردن است.  
﴿المرسلات﴾
- ۲- الطاف خداوند، دائمی و مستمر است.<sup>(۱)</sup> ﴿المرسلات عرفاً﴾
- ۳- آنچه از جانب خداوند نازل می‌شود، خیر است.<sup>(۲)</sup> ﴿المرسلات عرفاً﴾
- ۴- در نظام آفرینش، حتی وزش باد به طور تصادفی نیست، بلکه آفریدگار جهان، آن را می‌فرستد. ﴿المرسلات﴾
- ۵- مأموریت‌های مهم، باید به سرعت انجام شود. ﴿عصفاً﴾
- ۶- در جهان‌بینی الهی، نرمی و سختی هر کدام به جای خود ارزشمند است.  
﴿عرفاً... عصفاً﴾
- ۷- توسعه و گسترش به معنای نادیده گرفتن اصول و چارچوب نیست.  
﴿والناشرات نشراً فالفارقات فرقاً﴾
- ۸- در نظام هستی کارها تقسیم شده و هر کاری به فرد یا گروهی سپرده شده و این رمز مدیریت موفق است. ﴿المرسلات، الناشرات، الفارقات﴾
- ۹- در نظام الهی، تکوین و تشریح در کنار یکدیگرند. ﴿المرسلات... فالملقیات ذکراً﴾
- ۱۰- در مأموریت‌های ارشادی باید مطلب به مخاطبان تفهیم شود. ﴿فالملقیات ذکراً﴾
- ۱۱- هرگونه ذکر، الهام، علم و خطوط حق از سوی خداوند است. ﴿فالملقیات ذکراً﴾
- ۱۲- خداوند با تفاوت‌هایی که میان حق و باطل قرار داده، هم اتمام حجت کرده است: ﴿عذراً﴾ و هم هشدار می‌دهد. ﴿نُذراً﴾
- ۱۳- در مأموریت‌های ارشادی، باید راه بهانه‌جویی مسدود شود. ﴿عذراً او نذراً﴾
- ۱۴- برای امور مهم همچون وقوع قیامت، سوگندهای متعدّد مفید و راهگشا است. ﴿المرسلات، فالعاصفات، الناشرات، فالفارقات، فالملقیات، انما توعدون لواقع﴾

۱. این معنا در صورتی استفاده می‌شود که کلمه «عُرف» را به معنای پی در پی بدانیم.

۲. در صورتی که کلمه «عُرف» را به معنای خیر و نیکی بدانیم، نظیر آیه ﴿وأمر بالعرف﴾.

۱۵- انسان در مورد قیامت، دائماً نیاز به تذکر و یادآوری دارد. ﴿فَالْمَلَقِيَاتِ ذِكْرًا... إِنَّمَا تُوَعَّدُونَ لَوَاقِعٍ﴾

﴿۸﴾ فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ﴿۹﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿۱۰﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴿۱۱﴾ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتَتْ ﴿۱۲﴾ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ ﴿۱۳﴾ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ﴿۱۴﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ

پس آنگاه که ستارگان محو شوند. و آنگاه که آسمان شکافته شود. و آنگاه که کوهها از ریشه کنده شود. و آنگاه که برای رسولان (برای ادای شهادت) وقت تعیین شود. برای چه روزی، اجل تعیین شده؟ برای روز داوری. و تو چه دانی که روز داوری چیست؟

### نکته‌ها:

- «طمس» به معنای از بین رفتن و محو شدن است و شاید مراد از بین رفتن نور آنها باشد.
- «فرج» به معنای شکاف است و ﴿وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ﴾ به معنای شکاف برداشتن و پاره پاره شدن آسمان است.
- «اقتت» از «وقت» به معنای تعیین وقت برای گواهی دادن انبیا در قیامت است که بارها در قرآن به آن اشاره شده است. چنانکه در سوره مائده می‌خوانیم: ﴿يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا اجْتُمِعْتُمْ﴾<sup>(۱)</sup> روزی که خداوند همه انبیا را جمع گرداند، پس گوید: چگونه امتتان دعوت شما را اجابت کردند.
- یکی از اسامی قیامت «یوم الفصل» یعنی روز جدایی است. در قرآن می‌خوانیم: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾<sup>(۲)</sup> خداوند متعال در روز قیامت بین آنها (و آنچه بدان دل بسته‌اند) جدایی می‌افکند.
- در این آیات با سه تعبیر از عظمت قیامت یاد شده است: ﴿لَأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ لِيَوْمِ الْفَصْلِ وَمَا

۲. حج، ۱۷.

۱. مائده، ۱۰۹.

ادراك يوم الفصل ﴿ و تکرار کلمه «یوم» نشانه عظمت آن روز است.  
 □ مشابه این چند آیه در سوره‌های دیگر قرآن نیز دیده می‌شود:  
 ﴿فاذا النجوم طمست﴾ در جای دیگر می‌فرماید: ﴿و اذا النجوم انكدرت﴾<sup>(۱)</sup>  
 ﴿واذا السماء فرجت﴾ در جای دیگر می‌فرماید: ﴿اذا السماء انشقت﴾<sup>(۲)</sup>  
 ﴿واذا الجبال نسفت﴾ در جای دیگر می‌فرماید: ﴿ويستولونك عن الجبال فقلل ينسفها ربِّي  
 نسفا﴾<sup>(۳)</sup>  
 ﴿واذا الرّسل اُقتت﴾ در جای دیگر می‌فرماید: ﴿يوم يجمع الله الرّسل﴾<sup>(۴)</sup>

## پیام‌ها:

۱- نظام کنونی آفرینش در قیامت دگرگون می‌شود؛ ستارگان محو و آسمان شکافته می‌شود و این دگرگونی بارها در قرآن یادآوری شده است: ﴿فاذا النجوم طمست و اذا السماء فرجت﴾  
 ۲- حقیقت قیامت تنها از راه وحی قابل شناخت است. ﴿و ما ادراك ما يوم الفصل﴾  
 ۳- در قیامت، برای گواهی پیامبران بر امت‌های خویش، وقتی معین قرار داده شده است. ﴿و اذا الرّسل اُقتت، لایّ يوم اجّلت﴾

﴿ ۱۵ ﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿ ۱۶ ﴾ أَلَمْ نُهَكِّ الْأَوَّلِينَ ﴿ ۱۷ ﴾ ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ ﴿ ۱۸ ﴾ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿ ۱۹ ﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان. آیا پیشینیان را هلاک نکردیم. سپس دیگران را در پی آنان آوردیم. ما با مجرمان این گونه عمل می‌کنیم. وای بر تکذیب کنندگان در آن روز.

۳. طه، ۱۰۵.

۲. انشقاق، ۱.

۱. تکویر، ۲.

۴. مائده، ۱۰۹.

## نکته‌ها:

- در این سوره بارها آیه «وَلِیْلَیْوُمُذِّلِلْمُكذِّبِیْنَ» تکرار شده و در پایان هر چند آیه، این هشدار به چشم می‌خورد.
- کلمه «وَلِیْلَیْ» در مقام هشدار و تهدید به عذاب و هلاکت به کار می‌رود و بر اساس روایات، نام وادی خاصی در جهنم و یا نام یکی از دره‌های آن است.

## پیام‌ها:

- ۱- تکذیب کنندگان دین در معرض هلاکت و نابودی هستند و قهر خداوند نسبت به آنان، یک سنت الهی است. «وَلِیْلَیْوُمُذِّلِلْمُكذِّبِیْنَ اَلْمُ نِهَلِكِ الْاَوَّلِیْنَ»
- ۲- با طرح تاریخ گذشتگان، وجدان‌های خفته را بیدار کنید. «اَلْمُ نِهَلِكِ الْاَوَّلِیْنَ»
- ۳- تکذیب دین سابقه طولانی دارد. «اَلْمُكذِّبِیْنَ... الْاَوَّلِیْنَ»
- ۴- تمدن‌های بشری، اگر از مرز دین بگذرند، روبه افول و سقوط می‌روند و جای خود را به تمدن‌های دیگر می‌دهند. «نِهَلِكِ الْاَوَّلِیْنَ... تَتَّبِعُهُمُ الْاٰخِرِیْنَ»
- ۵- ریشه جرم و فساد در جامعه، تکذیب دین و ارزشهای دینی است. «اَلْمُكذِّبِیْنَ... الْمَجْرِمِیْنَ»
- ۶- قهر خداوند، قانونمند است و تنها گناهکاران و مجرمان را در برمی‌گیرد. «كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمَجْرِمِیْنَ»
- ۷- عذاب‌های الهی، از روی انتقام نیست، بلکه بر اساس استحقاق انسان‌ها است. «كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمَجْرِمِیْنَ»

﴿ ۲۰ ﴾ اَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّنْ مَّآءٍ مَّهِيْنٍ ﴿ ۲۱ ﴾ فَجَعَلْنَاهُ فِیْ قَرَارٍ مَّكِيْنٍ

﴿ ۲۲ ﴾ اِلٰی قَدْرِ مَّعْلُوْمٍ ﴿ ۲۳ ﴾ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقٰدِرُوْنَ ﴿ ۲۴ ﴾ وَاِیْلَ

یَوْمَئِذٍ لِّلْمُكذِّبِیْنَ



آیا ما شما را از آبی پست خلق نکردیم. پس آن را در قرارگاهی استوار  
قرار دادیم. تا مدتی معین. پس اندازه‌گیری کردیم و ما چه خوب  
اندازه‌گیریم. در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان.

### نکته‌ها:

- «مهین» به معنای حقیر، ضعیف و قلیل و «مکین» به معنای محکم و استوار است.
- برای تولید یک محصول، لوازم و شرایطی مورد نیاز است، از جمله: تعیین اهداف، تأمین مواد، طرح و برنامه، زمان‌بندی مراحل اجرا، خدمات پشتیبانی پس از تولید، تعمیر و اصلاح.
- در آفرینش انسان همه این مراحل پیش بینی و اجرا شده است:
- هدف: تکامل اختیاری و معنوی انسان. ﴿و ما خلقت الجنّ و الانس الاّ لیعبدون﴾<sup>(۱)</sup>
- مواد اولیه: تراب و نطفه. ﴿من ماء مهین﴾
- محلّ تولید: ﴿فی قرار مکین﴾
- طرح و برنامه تولید: ﴿نطفة، علقة، مضغة، ...﴾
- زمان‌بندی: ﴿الی قدر معلوم﴾
- برنامه‌ریزی درونی: ﴿فألهمها فجورها و تقواها﴾<sup>(۲)</sup>، همراه با کنترل بیرونی: ﴿انّا هدیناه السبیل﴾<sup>(۳)</sup> و ﴿انّ علینا للهدی﴾<sup>(۴)</sup>.
- خدمات پس از تولید: ﴿نحن قسمنا بینهم معیشتهم﴾<sup>(۵)</sup>.
- تعمیر و اصلاح: ﴿یقبل التوبة﴾<sup>(۶)</sup>، ﴿انه غفور رحیم﴾<sup>(۷)</sup>.
- شاهکار خلقت آن است که خداوند آفرینش انسان را با آن همه پیچیدگی بر روی یک قطره آب طراحی کرده است که هیچ هنرمندی توان طراحی بر روی آن را ندارد. ﴿مخلّکم من ماء مهین﴾
- خداوند در آفرینش انسان، یک بار مدالی ﴿احسن الخالقین﴾<sup>(۸)</sup> را به خود داده است و در

---

۱. ذاریات، ۵۶. ۲. شمس، ۸. ۳. انسان، ۳.  
۴. لیل، ۱۲. ۵. زخرف، ۳۲. ۶. توبه، ۱۰۴.  
۷. انعام، ۵۴. ۸. مؤمنون، ۱۴.

اینجا عنوان «نعم القادرون» را مطرح می‌کند. آری، او بهترین خالق و بهترین قادر است. □ عبارت «نعم القادرون» را دو گونه می‌توان معنا کرد:

الف. با توجه به عبارت «الی قدر» و «فقدّرنا» که پیش از آن آمده، مراد از «قادرون» اندازه‌گیری باشد که خداوند بهترین اندازه‌گیری را در مورد انسان به کار برده است.

ب. با توجه به آنکه بحث خلقت و مراحل آن است که نیاز به قدرت دارد، مراد از «قادرون» قدرت و توان باشد که خداوند کمال قدرت را در آفرینش انسان به کار برده است. □ خداوند در همه چیز بهترین است:

- بهترین یاری کننده و بهترین سرپرست: «نعم المولی و نعم النصیر»<sup>(۱)</sup>
- بهترین پشتیبان: «نعم الوکیل»<sup>(۲)</sup>
- بهترین مهد گستر: «نعم الماهدون»<sup>(۳)</sup>
- بهترین اجابت کننده: «نعم المجیبون»<sup>(۴)</sup>
- بهترین پاداش دهنده: «نعم اجرالعاملین»<sup>(۵)</sup>
- بهترین قادر و تقدیر کننده: «نعم القادرون»

### پیام‌ها:

- ۱- آفرینش انسان از آبی بی مقدار، هم نشانه عظمت و قدرت الهی است و هم دلیلی بر معاد و آفرینش دوباره انسان. «ألم نخلقكم من ماء مهین»
- ۲- یاد ضعف‌ها و ناچیز بودن گذشته‌ها، غرور و تکبر انسان را از بین می‌برد. «ألم نخلقكم من ماء مهین»
- ۳- در شیوه دعوت و تبلیغ، از مسایل محسوس بگویید. «ألم نخلقكم من ماء مهین»
- ۴- از خداوند بیاموزیم و در کار و تولید، به دنبال استواری و استحکام باشیم. «فی قرار مکین»

۳. ذاریات، ۴۸.

۲. آل عمران، ۱۷۳.

۱. انفال، ۴۰.

۵. آل عمران، ۱۳۶.

۴. صافات، ۷۵.

- ۵- تقدیر و زمان بندی، از اصول آفرینش الهی است. ﴿الی قدر معلوم فقدّرنا﴾  
 ۶- رشد جنین بر اساس اندازه گیری های دقیق الهی است. ﴿فقدّرنا فنعم القادرون﴾

﴿۲۵﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿۲۶﴾ أَحْيَاءَ وَ أَمْوَاتًا ﴿۲۷﴾ وَ  
 جَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا ﴿۲۸﴾ وَيْلٌ  
 يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿۲۹﴾ أَنْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿۳۰﴾  
 أَنْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ﴿۳۱﴾ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ  
 اللَّهَبِ ﴿۳۲﴾ إِنَّهَا تَزْمِي بِشَرِّرٍ كَالْقَصْرِ ﴿۳۳﴾ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ  
 ﴿۳۴﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

آیا زمین را محل اجتماع زنده ها و مرده ها قرار ندادیم. و در آن کوههایی  
 استوار و بلند قرار دادیم و آبی گوارا به شما نوشاندیم. پس در آن روز  
 وای بر تکذیب کنندگان. (به مجرمان گویند): بروید به سوی آنچه آن را  
 تکذیب می کردید. بروید به سوی سایه ای سه شاخه، نه خنک است و نه از  
 شعله آتش مصون می دارد. همانا دوزخ، شراره هایی به اندازه کاخ پرتاب  
 می کند. گویی شترانی زرد مویند. در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.

#### نکته ها:

- «کفات»، نام محلی است که در آن چیزی نهاده و گردآوری می شود. در روایات می خوانیم  
 که امام صادق علیه السلام نگاهی به قبرستان کرده و فرمود: اینجا کفات مردگان است و نگاهی به  
 خانه ها کرده و فرمود: اینجا کفات زنده هاست.<sup>(۱)</sup>  
 □ مراد از ﴿ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ﴾ سایه ای است که از دود عظیم آتش دوزخ ایجاد می شود،  
 اما روشن است که این سایه نه فقط آرامش بخش نیست بلکه سوزنده و آزار دهنده است.  
 این دود به قدری متراکم و عظیم است که شاخه شاخه می شود، شاخه ای از بالای سر،

۱. تفسیر نورالثقلین.

شاخه‌ای از طرف راست و شاخه‌ای از سمت چپ، فرد دوزخی را فرامی‌گیرد و در کام خود فرو می‌برد.

□ زبانه‌هایی که از آتش دوزخ برمی‌خیزد، همانند قصرهای بلند دنیوی است و همچون شتران زرد رنگ است. گویا قرآن، کاخ‌نشینان و زراندوزان را تهدید می‌کند که مراقب باشید گرفتار شرارهای قصرگونه دوزخ نشوید.

□ «شامحات» به معنای کوههای بلند و «فرات» به معنای آب گوارا است.

□ «ظَلَّ ظَلِيلًا» به معنای سایه دائم و «ظَلَّ لَا ظَلِيلًا» یعنی سایه غیر مفید و غیر خنک.

□ «جمالت» جمع «جمل» به معنای شتر و «صُفْر» جمع «اصفر» به معنای زرد است.

□ خداوند زمین را از نظر وسعت، نحوه حرکت، تأمین امنیت از طریق کوهها، تأمین آب مورد نیاز انسانها، گیاهان و حیوانات، به مناسب‌ترین شکل آفرید و خاک را بهترین وسیله برای از بین بردن زباله، آبهای آلوده و دفن مردگان قرار داد و در آن نوعی تصفیه‌خانه با داشتن خاصیت میکرب‌کشی قرار داد به نحوی که زمین آب آلوده می‌گیرد و آب زلال تحویل می‌دهد. این تصفیه‌خانه، طبیعی، مجانی، دائمی، عمومی و بدون پیدا شدن نقص فنی است. راستی اگر زمین وجود نداشت، بوی بد و تعفن همه را آزار می‌داد.

□ قهر الهی از همه سو مجرمان را احاطه می‌کند به نحوی که راه فراری در کار نیست و تنها راه به سوی دوزخ باز است. «انطلقوا الی ما کنتم به تکذِّبون» چنانکه در آیات دیگر می‌فرماید: «کلِّمًا ارادوا أن یخرجوا منها من غمِّ اعییدوا فیها و ذوقوا عذاب الحریق»<sup>(۱)</sup>، «احاط بهم سرادقها»<sup>(۲)</sup>

### پیام‌ها:

- ۱- روی زمین بهترین جایگاه برای زندگان و درون آن بهترین جایگاه برای مردگان است. «ألم نجعل الارض کفأناً حیاءً و امواتاً»
- ۲- کوهها از منابع تأمین آب مورد نیاز است. «رواسی شامحات و اسقیناکم ماءً»

- ۳- صحنه قیامت به قدری سخت و دشوار است که گویا رفتن به دوزخ برای مجرمان نوعی رهایی است. ﴿انطقوا الی...﴾
- ۴- دوزخ را دود غلیظی احاطه کرده است که سایه آفرین است، اما در آن هیچ آسایشی نیست. ﴿ظِلٌّ... لا ظلیل﴾
- ۵- کاخ‌ها و سرمایه‌هایی که در دنیا به ناحق به دست می‌آیند، در قیامت به شراره‌های دوزخ تبدیل می‌شوند. ﴿کالقصر کانه جمالة صفر﴾
- ۶- وقتی زبانه‌های آتش دوزخ مانند قصر بلند و مانند شتر عظیم باشد، خود آتش چگونه خواهد بود! ﴿بشرر کالقصر کانه جمالة صفر﴾
- ۷- ریشه همه جرم‌ها، عقاید فاسد است. زیرا کسی که اعتقاد ندارد و حق را تکذیب می‌کند، به هر کار خلافی دست می‌زند. ﴿ویل یومئذ للمکذبین﴾

﴿ ۳۵ ﴾ هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ﴿ ۳۶ ﴾ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ  
 ﴿ ۳۷ ﴾ وَيَلُ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكْذِبِينَ ﴿ ۳۸ ﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ  
 وَ الْأَوَّلِينَ ﴿ ۳۹ ﴾ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونَ ﴿ ۴۰ ﴾ وَيَلُ يَوْمَئِذٍ  
 لِّلْمُكْذِبِينَ

(مجرمان) در این روز حرفی برای گفتن ندارند. و به آنان اجازه داده نمی‌شود تا عذر خواهی کنند. در آن روز وای بر تکذیب کنندگان. این روز، روز جدایی است که شما و پیشینیان را جمع کردیم. پس اگر چاره‌ای دارید به کار گیرید. در آن روز وای بر تکذیب کنندگان.

#### نکته‌ها:

□ قیامت دارای مواقف متعددی است. در یک موقف بر لب‌ها مهر زده می‌شود و کسی توان سخن گفتن ندارد: ﴿هذا يوم لا ينطقون﴾ و ﴿اليوم نختم على افواههم﴾<sup>(۱)</sup> و در مواقف

دیگر گفتگوهایی در کار است. آیات زیادی در قرآن به بیان گفتگوها و ناله‌های مجرمان در قیامت پرداخته است.

□ امام صادق علیه السلام فرمود: خدا عادل‌تر از آن است که بنده‌اش عذر داشته باشد و خداوند اجازه ندهد آن را بیان کند، ولی چون بنده گنه‌کار عذری ندارد، به او اجازه داده نمی‌شود در دادگاه الهی سخنی بگوید.<sup>(۱)</sup>

□ در دنیا انسان قادر است تا خود یا دیگران را فریب دهد و به وسیله زر و زور و تزویر و یا وعده و تهدید و رشوه، یا وابستگی نسبی و سببی برای خود چاره‌ای بیندیشد ولی در قیامت راه برای تمام این کارها بسته است. «فان كان لکم کید فکیدون»

### پیام‌ها:

۱- در قیامت، مجرمان یا از روی ترس، یا به خاطر بی‌فایده بودن، یا به خاطر مهر خوردن بر دهان و یا به خاطر روشن بودن همه مسایل، سخن نمی‌گویند.  
«هذا یوم لا ینطقون»

۲- مبلغ و مرتبی نباید از تکرار هشدار خسته شود. در این سوره آیه «ویلٌ یومئذ للمکذبین» ده مرتبه تکرار شده است.

۳- قیامت، هم روز جمع است و هم روز فصل. «هذا یوم الفصل جمعناکم» (از یکسو همه جمع می‌شوند و هیچ کس جا نمی‌ماند: «و حشرناهم فلم نغادر منهم احداً»<sup>(۲)</sup>) و از سوی دیگر میان خوبان و بدان فیصله داده می‌شود و جدایی می‌افتد، حتی بهشتیان در بهشت درجاتی دارند.)

۴- قیامت، روز حسابرسی و قضاوت است، نه عذرخواهی. «لایؤذن لهم فیعتذرون... هذا یوم الفصل»

۵- در قیامت نه فرار است، نه فریب و نه فدیة‌ای قبول می‌شود و راهی برای فلاح وجود ندارد. «ان كان لکم کید فکیدون»

۱. کافی، ج ۸، ص ۱۷۸. ۲. کشف، ۴۷.

۶- در قیامت، مجرمان ناتوان و درمانده از هر گونه چاره اندیشی اند. ﴿فان كان لكم كيد فكيدون﴾

﴿٤١﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ﴿٤٢﴾ وَفَوَاحِشٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ  
 ﴿٤٣﴾ كُلُّوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٤﴾ إِنَّا كَذَلِكَ  
 نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٤٥﴾ وَيَلُومُنَّ يَوْمَئِذٍ الْمُكَذِّبِينَ

همانا پرهیزکاران در سایه‌ها و چشمه‌ها (قرار دارند). و هر نوع میوه که بخواهند فراهم است. بخورید و بیاشامید به پاداش آنچه انجام می‌دادید، گوارایتان باد. همانا ما این‌گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان.

### نکته‌ها:

- در آیات قبل، خداوند ویژگی‌های دوزخ و دود و آتش سه شعبه‌ای که آن را احاطه کرده بیان فرمود و در این آیه در مقابل آن، سه نعمت برای اهل تقوا بیان فرموده است: ﴿ظلال و عیون و فواکه﴾
- کلمه «هنیئاً» آنجا به کار می‌رود که هیچ سختی و ناگواری به دنبال نباشد و کاملاً گورا و مطبوع باشد.
- یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن، شیوه مقایسه است:

پاداش متقین:	کیفر مجرمین:
﴿فی ظلال و عیون﴾	﴿ظلّ ذی ثلاث شعب لا ظلیل﴾
﴿کلوا و اشربوا هنیئاً﴾	﴿کلوا و تمتعوا قليلاً انکم مجرمون﴾
﴿انّا کذلک نجزی المحسنین﴾	﴿کذلک نفعل بالمجرمین﴾
﴿هنیئاً بما کنتم تعملون﴾	﴿انطلقوا الی ما کنتم به تکذبون﴾

- سؤال: چرا بعد از آیات مربوط به بهشت نیز آیه ﴿ویل یومئذ للمکذبین﴾ آمده است؟
- پاسخ: شاید به خاطر آن که حسرت محرومیت از نعمت‌های بهشت، خود بالاترین عذاب‌هاست.

## پیام‌ها:

- ۱- بهشت و دوزخ سایه‌های متفاوت دارند. ﴿ظَلَّ ذِي ثَلَاثِ شَعْبٍ... فِي ظِلَالٍ وَ عِيُونٍ﴾
- ۲- انسان تنوع طلب است و در بهشت، باغ‌ها، چشمه‌ها، میوه‌ها، خوراکی‌ها و نهرها همه متنوع‌اند. ﴿فِي ظِلَالٍ وَ عِيُونٍ وَ فَوَاكِهٍ مَّمَّا يَشْتَهُونَ﴾
- ۳- وجود آب و درخت در کنار هم، نشانه کامیابی کامل است. ﴿فِي ظِلَالٍ وَ عِيُونٍ﴾
- ۴- محرومیت مؤمنان در دنیا، با کامیابی در قیامت جبران می‌شود. ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَ عِيُونٍ﴾
- ۵- معاد جسمانی است و نعمت‌های آن متناسب با نیازهای جسم بشری. ﴿وَ فَوَاكِهٍ مَّمَّا يَشْتَهُونَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا﴾
- ۶- دریافت نعمت وابسته به عملکرد انسان است. ﴿هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾
- ۷- خوردنی‌های بهشتی، عارضه و مشقتی را به دنبال ندارد. ﴿كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنِيئًا﴾
- ۸- بهشت را به بها دهند نه بهانه. ﴿بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾
- ۹- عملی ارزش دارد که دائمی و پایدار باشد، نه موسمی و مقطعی. ﴿كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾
- ۱۰- لازمه‌ی تقوا، تلاش و احسان است. ﴿الْمُتَّقِينَ... كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ... الْمُحْسِنِينَ﴾
- ۱۱- سنت الهی در کیفر و پاداش انسان‌ها یکسان است. ﴿أَنَا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾
- ۱۲- تکرار هشدار نشانه لطف خداوند است تا شاید مستکبران بر سر عقل آیند و از تکذیب حقایق دین دست بردارند. ﴿وَيْلٌ لِّلْمُكْذِبِينَ﴾

﴿ ۴۶ ﴾ كُلُوا وَ تَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُّجْرِمُونَ ﴿ ۴۷ ﴾ وَ يَلِ يَوْمَئِذٍ

لِّلْمُكْذِبِينَ ﴿ ۴۸ ﴾ وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرَكَعُونَ ﴿ ۴۹ ﴾ وَ يَلِ

يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكْذِبِينَ ﴿ ۵۰ ﴾ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

بخورید و بهره‌گیرید اندک که همانا شما مجرمید. در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. و هر گاه به آنان گفته شود رکوع کنید، رکوع نمی‌کنند. در آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. پس بعد از این (قرآن) به کدامین سخن ایمان می‌آورند؟



## نکته‌ها:

- پزشک در دو حالت به بیمار اجازه می‌دهد که هر غذایی را بخورد: یکی آنجا که بیمار درمان گشته و سالم است و دیگر آنجا که بیماری فرد لاعلاج و بدون درمان است و پزشک از بهبود او مأیوس شده است. در قرآن نیز فرمان ﴿کلوا﴾ گاهی نشانه امید و سلامتی است و گاهی نشانه قهر الهی، چنانکه در آیات خداوند خطاب به مجرمان می‌فرماید: ﴿کلوا و تتعوا قليلاً انکم مجرمون﴾ و نظیر آیه ﴿اعملوا ما شئتم﴾<sup>(۱)</sup> هر کاری می‌خواهید، بکنید.
- پیامبر اکرم ﷺ به قبیله ثقیف دستور نماز داد، آنها گفتند: ما در برابر کسی خم و راست نمی‌شویم. حضرت فرمود: دینی که رکوع و سجود در آن نباشد، خیری نیست. «لا خیر فی دین لیس فیہ رکوع و لاسجود»<sup>(۲)</sup>
- بعد از فتح مکه پیامبر اکرم ﷺ از همسر ابوسفیان (مادر معاویه) پرسید: اسلام را چگونه می‌بینی؟ گفت: اسلام خوب است مگر سه چیز آن: حجاب، اذان بلال، رکوع و سجود. پیامبر در پاسخ فرمود: اما حجاب بهترین پوشش است و نماز بدون رکوع و سجود نماز نیست و بلال نیز بهترین بنده است.<sup>(۳)</sup>
- «حدیث» به معنای سخن جدید و تازه است که از دیگران سابقه ندارد.
- حضرت ابراهیم پس از تجدید بنای کعبه از خداوند خواست تا فقط به اهل ایمان روزی دهد. ﴿و ارزق اهلہ من الثمرات من آمن منهم﴾ اما خداوند فرمود: من در دنیا به کفار نیز روزی می‌دهم و حساب قیامت از دنیا جداست. ﴿و من کفر فامتعه...﴾<sup>(۴)</sup>
- رکوع از ارکان نماز و مشخصه و نشانه ویژه نماز است، زیرا سجده به خودی خود و خارج از نماز نیز محقق می‌شود، مانند سجده شکر. ولی رکوع جایگاهی جز نماز ندارد و لذا درباره نماز کلمه رکعت به کار می‌رود. ﴿اذا قیل لهم اركعوا لا یرکعون﴾

۱. فصلت، ۴۰. ۲. بحار، ج ۱۷، ص ۵۲. ۳. تفسیر الکاشف. ۴. بقره، ۱۲۶.

## پیام‌ها:

- ۱- کامیابی دنیا نسبت به کامیابی آخرت، بسیار ناچیز است. ﴿کلوا وتمتعوا قليلاً﴾
- ۲- کامیابی از نعمت‌های دنیا، نشانه محبوبیت نزد خداوند نیست. (مجرمان نیز بهره‌مند می‌شوند). ﴿کلوا وتمتعوا قليلاً انکم مجرمون﴾
- ۳- بهره‌مند مجرمان از نعمت‌های الهی، فقط بهره‌مادی است. ﴿کلوا وتمتعوا... انکم مجرمون﴾
- ۴- زندگی دنیا هر قدر هم طولانی باشد، نسبت به آخرت ناچیز است. ﴿تمتعوا قليلاً﴾
- ۵- از نشانه‌های تکذیب عملی دین، ترک نماز است. (ترک نماز در میان دو کلمه «مکذبین» قرار گرفته است). ﴿ویل یومئذ للمکذبین اذا قيل لهم اركعوا لایرکعون ویل یومئذ للمکذبین﴾
- ۶- انکار دین و ارتکاب جرم، ملازم یکدیگرند. ﴿انکم مجرمون ویل یومئذ للمکذبین﴾
- ۷- قرآن، شیواترین، تازه‌ترین و شایسته‌ترین پیام برای مردم است. ﴿فبایّ حدیث﴾
- ۸- مطالب قرآن هرگز کهنه نمی‌شود و در هر زمان، نو و تازه است. ﴿فبایّ حدیث بعده﴾
- ۹- اگر کسی به قرآن ایمان نیاورد، به کدام سخن ایمان خواهد آورد. ﴿فبایّ حدیث بعده یؤمنون﴾

«والحمد لله رب العالمین»